

بررسی نقش مؤلفه‌های کالبدی امنیت در ایجاد حس دل‌بستگی به مکان (نمونه مورد مطالعه: مجتمع‌های مسکونی آسمان و یاسمین شهرستان مراغه)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۰۲/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۹/۰۷/۰۱

اسلام کریمی* (استادیار، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران)
لیلا رحیمی (استادیار، گروه معماری، دانشکده عمران، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)
مهرناز بلوغي (دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل، ایران)
حدیث بردبار (دانشجوی دکتری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی،
دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)

چکیده

امروزه نادیده گرفتن اصول و مؤلفه‌های امنیت در طراحی مجتمع‌های مسکونی، منجر به کاهش میزان دل‌بستگی به مکان شده است. هدف پژوهش حاضر ارتقاء میزان دل‌بستگی به مکان در مجتمع‌های مسکونی شهر مراغه از طریق مؤلفه‌های کالبدی امنیت می‌باشد. پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، تحلیلی و میدانی به شیوه آمیخته می‌باشد، همچنین برای گردآوری داده‌های پژوهش از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی (پرسش‌نامه) استفاده شده است؛ به‌طوری که داده‌های کمی با پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته گردآوری شد و برای تحلیل‌های پژوهش نیز از آزمون‌های آماری پیرسون و رگرسیون خطی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که وضعیت مؤلفه‌های کالبدی امنیت و دل‌بستگی به مکان در مجتمع‌های مسکونی شهر مراغه از دیدگاه ساکنان مطلوب و در وضعیت متوسط رو به بالا ارزیابی شده است، همچنین بین مؤلفه‌های امنیت (به جز مؤلفه‌های کیفیت محیط زندگی و مجاورت با کاربری‌ها) و دل‌بستگی به مکان ارتباط خطی برقرار می‌باشد. از لحاظ میزان تأثیرگذاری نیز مؤلفه‌های قلمروبندی و نظارت بیشترین تأثیر را بر دل‌بستگی به مکان دارند.

واژه‌های کلیدی: امنیت، دل‌بستگی به مکان، مجتمع مسکونی، مراغه.

مقدمه

صاحب‌نظران حوزه معماری و شهرسازی بر این باورند که در عصر حاضر یکی از مهم‌ترین دلایل از میان رفتن احساس دل‌بستگی به مکان در مجتمع‌های مسکونی، نادیده گرفتن مؤلفه‌های امنیت می‌باشد، به عقیده آن‌ها اهمیت این موضوع تا بدان جا است که به تدریج بی‌توجهی به این امر منجر به کاهش کیفیت سکونت در مجتمع‌های مسکونی شده است. لازم به ذکر می‌باشد که دل‌بستگی به مکان از یک سو، در افراد انگیزه احیاء و نوسازی همه‌جانبه محیط زندگی‌شان را فراهم می‌نماید و از سویی دیگر زمینه مساعدی را برای ایجاد دموکراسی مشارکتی و اجرای برنامه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی در اجتماعات محلی مهیا می‌کند و کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد (فکوهی، ۱۳۹۰). در رابطه با لزوم توجه به مقوله دل‌بستگی به مکان در مجتمع‌های مسکونی می‌توان به ایفای نقش مؤثر در بالا بردن سطح مسئولیت‌پذیری، همکاری و خودیاری ساکنان مناطق مسکونی، ارائه شیوه کارآمد برای حل مسائل و بهبود شرایط زندگی ساکنان و فراهم‌آوری زمینه مساعد برای ساکنان جهت نظارت بر امور جاری و محلی و در نتیجه مقابله با تهدیدات محیطی اشاره نمود. ذکر این نکته بسیار حائز اهمیت است که ساکنانی که محل سکونت خود را امن بدانند، نسبت به آن دل‌بستگی بیشتری ابراز می‌کنند و ساکنانی که دل‌بستگی بیشتری به محل سکونت خود داشته باشند، برای مقابله با جرم و جنایت آمادگی بیشتری از خود نشان می‌دهند (Comstock & et al., 2015:3). در همین راستا هدف پژوهش حاضر، ارتقاء میزان دل‌بستگی به مکان در مجتمع‌های مسکونی از طریق مؤلفه‌های کالبدی امنیت می‌باشد. پژوهش حاضر با فرض این مهم که دو متغیر امنیت و دل‌بستگی به مکان با یکدیگر ارتباط مستقیمی دارند در پی پاسخگویی به سؤال اصلی زیر است: مؤثرترین مؤلفه‌های کالبدی امنیت بر ارتقاء میزان دل‌بستگی به مکان در مجتمع‌های مسکونی مراغه کدامند؟

پیشینه تحقیق

به منظور شناخت زمینه‌های اصلی، تحلیل چگونگی ارتباطات میان متغیرها، شناخت عوامل تأثیرگذار و آشنایی با مرزهای دانش در مفاهیم مورد بحث این پژوهش، تحقیقات خارجی و داخلی مرتبط با موضوع آورده شده است: شیخ بیگلو^۱ (۲۰۲۰) تحقیقی با عنوان «بررسی ابعاد دل‌بستگی به مکان و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی و وفاداری مکان؛ نمونه مورد مطالعه: شهر جدید بهارستان ایران» را انجام داده‌اند. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که مشارکت

¹ Shaykh-Baygloo

اجتماعی و وفاداری نسبت به مکان، به میزان بسیار زیادی متأثر از ابعاد و مؤلفه‌های دلبستگی به مکان هستند؛ یاران و هادوی^۱ (۲۰۱۸) تحقیقی با عنوان «بررسی شاخص‌های طراحی مؤثر در امنیت ساکنان در مجتمع‌های مسکونی؛ نمونه مورد مطالعه: تهران» را انجام داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که دو مؤلفه قابلیت دید و نظارت توسط ساکنان، نقش مهمی در افزایش میزان امنیت در مجتمع‌های مسکونی دارد؛ لو و همکاران^۲ (۲۰۱۸) تحقیقی با «عنوان دلبستگی به مکان در محله‌های دروازه‌دار و قلمروبندی شده چین؛ نمونه مورد مطالعه: ونزو» انجام داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که میزان دلبستگی به مکان در محله‌های دروازه‌دار بیشتر از سایر محلات است، زیرا در این محله‌ها به دلیل افزایش میزان تعاملات اجتماعی و مشارکت، حضورپذیری در فضای محله‌ها بیشتر شده و به تبع آن دلبستگی به مکان نیز ارتقاء می‌یابد؛ ایزدی‌فر و همکاران^۳ (۲۰۱۶) تحقیقی با عنوان «معرفی عوامل مؤثر بر پشتیبانی از فعالیت‌های اجتماعی در راستای افزایش میزان امنیت مجتمع‌های مسکونی» انجام داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که محل استقرار مجتمع‌های مسکونی، عدم وجود فضاهای پرت و متروکه و نیز وجود کاربری‌های مختلط در مجتمع‌های مسکونی سبب پیشگیری از وقوع جرم و افزایش میزان امنیت در مجتمع‌های مسکونی می‌شود. البرزی و همکاران (۱۳۹۹) تحقیقی با عنوان «تبیین نقش نماهای شهری در ایجاد دلبستگی به مکان در بین شهروندان؛ نمونه مورد مطالعه: نماهای شهر تهران» را انجام داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که نماهای ساختمانی را می‌توان در قالب ابعاد کالبدی، ادراکی-احساسی، عملکردی-فعالیتی دسته‌بندی نمود، که در این میان عامل کالبدی بیشترین اثرگذاری را بر دلبستگی به مکان دارند؛ میرزاحسین و همکاران (۱۳۹۹) تحقیقی با عنوان «بررسی چگونگی ساختار و عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری فضاهای شهری بر مبنای حس تعلق به مکان بین شهروندان تهرانی» را انجام داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که مؤثرترین مسیر ارتقاء زیست‌پذیری مسیر کالبد-معنا-سرمایه فرهنگی-حس مکان-کیفیت زندگی ذهنی-زیست‌پذیری است. کشاورزی و جلالیان (۱۳۹۸) تحقیقی با عنوان «تبیین نقش عوامل مؤثر بر قلمرویی در ایجاد حس تعلق به مکان در مجموعه‌های مسکونی؛ نمونه مورد مطالعه: مجموعه مسکونی اعتمادیه همدان» انجام داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که عوامل مؤثر بر قلمرویی نظیر نظم بصری، تعادل در محیط، مرزبندی و... نقش مهمی در شکل‌گیری محیط دارند و این عوامل نقش مهمی در ارتقاء حس تعلق به مکان در مجتمع‌های مسکونی ایفا می‌کنند. فتح‌قالی و همکاران (۱۳۹۵) تحقیقی با عنوان «تأثیر عناصر کالبد-فضایی (معماری) بر دلبستگی

¹ Yaran & Hadavi

² Lu & et al

³ Izadifar & et al

به مکان شهروندان در مجموعه بازار تبریز» را انجام داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که میان عناصر کالبدی و دل‌بستگی به مکان ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

چارچوب نظری

دل‌بستگی به مکان

در ساده‌ترین تعریف، دل‌بستگی به مکان احساس پیوند عاطفی نسبت به یک مکان خاص است (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۰:۶۵) که در نتیجه ارتباط مثبت و مؤثر میان مردم و مکان تجلی می‌یابد (Stedman, 2017). در تعریفی دیگر، محققان دل‌بستگی به مکان را نتیجه آشنایی مردم با یک مکان و تطابق مکان با ارزش‌های آن‌ها عنوان نموده‌اند (Raymond & et al., 2019:327). در حالت کلی می‌توان اذعان نمود که دل‌بستگی به مکان یک نوع پیوند شناختی-عاطفی با یک محیط معنادار یا یک پدیده است (Mazumdar & Mazumdar, 2014:387) که شامل مؤلفه‌های هویت مکان، وابستگی به مکان، دل‌بستگی عاطفی و پیوندهای اجتماعی می‌باشد (Scannell & Gifford, 2017: 361). در ادامه برای روشن‌تر شدن ماهیت مؤلفه‌های مذکور توضیح مختصری در خصوص هر یک آورده شده است:

هویت مکان زیربنای اساسی دل‌بستگی به مکان است (Toruńczyk-Ruiz & Martinović, 2020:150) و بیانگر چگونگی تجسم خصوصیات نمادین و کالبدی مکان‌ها در ذهن افراد می‌باشد (Devine-Wright & Price, 2015:765). **دل‌بستگی عاطفی** نمایانگر احساس بسیار قوی افراد نسبت به یک مکان است (Ramkinssoon & et al., 2012:260) که به تاریخ شهر، محل اقامت و میزان دانش پیرامون گذشته شهر ارتباط دارد (Lewicka, 2012:210). **پیوندهای اجتماعی** ارتباط مستقیمی با ویژگی‌های کالبدی مکان ندارند (Karsono & et al., 2016:180) زیرا عموماً اینگونه پیوندها نتیجه تعامل افراد با یکدیگر در مکان می‌باشند، لازم به ذکر است که پیوندهای اجتماعی به عنوان منبع اصلی شکل‌گیری معنای مکان محسوب می‌شوند (Scannell & Gifford, 2010b:291) و **وابستگی به مکان** که غالباً به ویژگی‌های عملکردی یک مکان اشاره دارد (Beery & Jeonsson, 2017:56) و میزان رضایتمندی افراد از مکان را نشان می‌دهد (Devine-Wright & Price, 2015:763). وابستگی به مکان در نهایت منجر به تسهیل ارتباطات عاطفی و انجام فعالیت‌های خاص در یک مکان می‌شود. به عقیده بسیاری از متخصصان، این مؤلفه افزون بر ایفای نقش اساسی در بروز دل‌بستگی به مکان، یکی از عناصر اصلی شکل‌گیری هویت مکان نیز می‌باشد (Beery & Jeonsson, 2017:59).

امنیت

امنیت به معنای مصونیت افراد از خطرات جرایم و اقدامات غیراخلاقی موجود در محیط زندگی آنها است (Rahmania & Mahmoody Zarandib, 2015:235)، همچنین می‌توان اذعان نمود که امنیت نوعی آرامش درونی ناشی از اجزای فعال محیط است که از طریق ادراک ذهن حاصل می‌شود (Moayed & et al., 2013:166) و پرداختن به آن، به عنوان یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسان، سبب کاهش مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود (Yaran & Hadavi, 2018:56). در هرم مازلو، بعد از نیازهای فیزیولوژیکی، امنیت جایگاه دوم را به خود اختصاص داده است، این امر نشان از اهمیت بسیار زیاد امنیت در زندگی انسان دارد (Salamati Zare, 2014)، اهمیت این نیاز به اندازه‌ای است که در صورت برآورده نشدن آن، سایر نیازهای اساسی انسان‌ها نظیر نیاز به عشق و احترام نیز برآورده نمی‌شود (Pakzad, 2005)، در همین راستا بسیاری از متخصصان حوزه شهری به دلیل پیوند همه‌جانبه امنیت با زندگی انسان، آن را یکی از نیازهای اولیه جامعه بشری (Vasile & et al., 2018:1253) و نیز مهم‌ترین هدف یک جامعه پایدار (Rahmania & Mahmoody Zarandib, 2015:237) معرفی نمودند که شامل مؤلفه‌های کالبدی نظیر قلمروبندی، کیفیت محیط زندگی، ناهنجاری اجتماعی، مجاورت با کاربری‌ها و نظارت می‌باشد (Yaran & Hadavi, 2018:58). در ادامه برای روشن‌تر شدن ماهیت مؤلفه‌های کالبدی مذکور توضیح مختصری در خصوص هر یک آورده شده است:

قلمروبندی شخصی‌سازی مکان برای گروه خاصی از افراد است (Izadifar & et al., 2016:579) که سبب افزایش احساس مالکیت افراد نسبت به فضا شده و میزان ورود افراد غریبه و ناشناس را تا حد بسیار زیادی کاهش می‌دهد (Siti Rasidah, 2013:387)، کیفیت محیط زندگی از طریق خلق فضای نشاط‌آور و با هویت، زمینه حضور بیشتر و طولانی مدت افراد را فراهم نموده و از بروز جرم و جنایت جلوگیری می‌نماید (Alimardani & et al., 2017:18)، ناهنجاری اجتماعی یک شرایط اجتماعی است که سبب بروز پیامدهای منفی برای افراد، جهان اجتماعی و جهان کالبدی می‌شود، لازم به ذکر است که غالباً این امر از ساختارهای معیوب و ناکارآمدی نهادها ناشی می‌شود (Guardia, 2016:140)، مجاورت با کاربری‌ها زمینه و بستر مناسبی را برای کارکردهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محلات فراهم ساخته و موجب راحتی و آسایش ساکنان می‌شود، همچنین مجاورت با کاربری‌ها یک عامل بسیار مؤثر جهت افزایش حضور مردم و غلبه بر انزوا و ارتقاء میزان امنیت می‌باشد (Yaran & Hadavi, 2018:58) و نظارت طبیعی و غیررسمی (مکانیکی)؛ نظارت

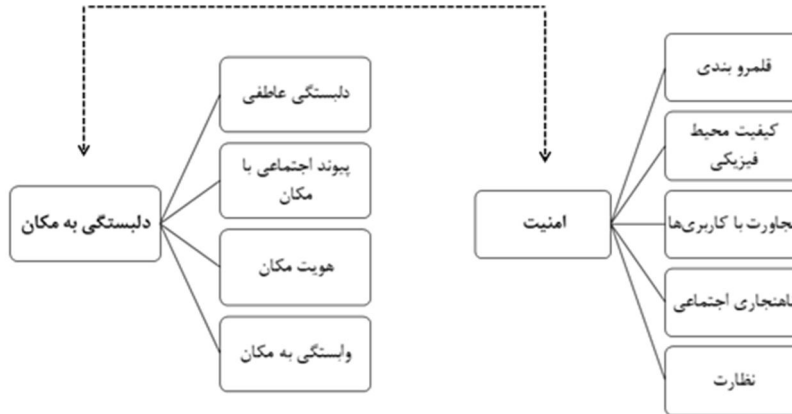
طبیعی مواردی نظیر گشت پلیس، حضور افراد و... را شامل می‌شود و نظارت غیررسمی از طریق ابزارهایی نظیر دوربین‌های مداربسته و... انجام می‌شود (Siti Rasidah, 2013:384) که از طریق طراحی محیط کالبدی پشتیبانی شده و مجرمان را از ارتکاب جرایم بازمی‌دارد (Shamsuddin & et al., 2014:79; Zen & Ali Mohamad, 2014:26).

ارتباط امنیت و دل بستگی به مکان

غالباً افراد تمایل به سکونت در مکان‌های امن دارند (Lu & et al., 2018:147)، زیرا این مکان‌ها در بردارنده احساس امنیت فیزیکی و روانی هستند که از محیط آشنا و قابل اطمینان ناشی می‌شود. دامنه گسترده‌ای از نشانه‌ها و عناصر اجتماعی، اقتصادی و کالبدی همانند نماد و فرهنگ مشترک، پیوندهای خویشاوندی، شهرت شخصی، تراکم جمعیت، سطح درآمد و... موجب می‌شوند که ساکنان احساس امنیت را در محیط سکونت خود تجربه نمایند (امیرکافی و فتحی، ۱۳۹۰:۹). در این بین ویژگی‌های کالبدی محیط یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کاهش یا افزایش میزان امنیت محیط می‌باشد، زیرا وقوع بسیاری از جرایم به ساختار و ویژگی‌های کالبدی مکان جرم بستگی دارد (Rahmania & Mahmoodly Zarandib, 2015:236).

به عقیده طیف وسیعی از صاحب‌نظران، امنیت به شدت دل بستگی به مکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Karsono & et al., 2016:180)، زیرا در صورت برقراری امنیت در محیط، احساس دل بستگی به مکان به دلیل بروز پیوندهای عاطفی با مکان به وجود می‌آید که به تدریج سبب افزایش تمایل افراد برای ماندن در یک مکان معین می‌شود (Toruńczyk-Ruiz & Martinović, 2020:186) و عدم برقراری امنیت در محیط با ترغیب ساکنان به ترک اجتماع محلی، سبب کاهش میزان دل بستگی به مکان می‌شود (امیرکافی و فتحی، ۱۳۹۰:۱۱)، علت این امر آن است که غالباً افراد از مکان‌های ناامن که توأم با خطر جانی و مالی است دوری می‌جویند و تمایلی به زندگی طولانی مدت در این‌گونه فضاها ندارند، درحالی‌که نتایج تحقیقات نشان می‌دهد، اقامت طولانی مدت در مکانی معین یکی از عوامل مؤثر در ارتقاء میزان دل بستگی به مکان می‌باشد (Di Masso & et al., 2019:127). از سویی دیگر دل بستگی به مکان، زمینه مساعدی فراهم می‌کند تا ساکنان از طریق نظارت بر امور جاری و محلی، آمادگی بیشتری برای مقابله با جرم و جنایت داشته باشند و نیز با علاقه بیشتری به مسائل اجتماعی پیرامون خود بپردازند و برای حل آن‌ها به عمل جمعی مبادرت نمایند (Comstock & et al., 2015:3)، در حالت کلی می‌توان گفت که نوع احساس افراد به مکان، تعیین کننده نحوه رفتار

آن‌ها نسبت به مکان می‌باشد و این احساسات و رفتارها نقش بسیار کلیدی در توسعه و پیشرفت انواع سکونتگاه‌های انسانی ایفا می‌نمایند (Shaykh-Baygloo, 2020).



شکل ۱- مدل نظری تحقیق، مأخذ: نگارندگان

معرفی محدوده مورد مطالعه

شهرستان مراغه در جنوب غربی استان آذربایجان شرقی و در جلگه‌های اطراف دریاچه ارومیه و دامنه‌های کوهستان سهند واقع شده است. در پژوهش حاضر، دو نمونه از مجتمع‌های مسکونی این شهرستان با نام‌های آسمان و یاسمین که در محدوده کمربندی شمالی و در مجاورت یکدیگر واقع شده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در رابطه با دلایل انتخاب مجتمع‌های مسکونی مذکور می‌توان گفت که شهروندان شهرستان مراغه به دلیل شیوه زندگی و ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی خاص خود، تمایل چندانی به سکونت در مجتمع‌های مسکونی ندارند و غالباً در خانه‌های ویلایی ساکن هستند، بنابراین تاکنون احداث و نیز سکونت در مجتمع‌های مسکونی شهرستان مراغه مورد اقبال عمومی قرار نگرفته و بسیاری از واحدهای مجتمع‌های مسکونی ساخته شده نیز خالی از سکنه می‌باشند. مطالعات میدانی در خصوص شناخت مجتمع‌های مسکونی موجود در این شهرستان نشان می‌دهد که در حال حاضر دو مجتمع مسکونی (آسمان و یاسمین) در شهرستان مراغه وجود دارند که تمامی واحدهای آن تحویل داده شده و سابقه سکونت در آن بیش از ۵ سال است و نیز به قشر خاصی از مردم تعلق ندارند، لذا در پژوهش حاضر سایر مجتمع‌های مسکونی که فاقد ویژگی‌های مذکور هستند، از دایره مطالعات خارج شدند. لازم به ذکر است که با توجه به افزایش روزافزون جمعیت

شهرنشین و نیاز مبرم به مسکن، لاجرم شهروندان شهرستان مراغه نیز ناگزیر به سکونت در مجتمع‌های مسکونی خواهند شد، بنابراین بدون شک استفاده از نتایج پژوهش‌هایی از این دست، علاوه بر تضمین سلامت روان آن‌ها موجب ارتقاء میزان رضایتمندی و کیفیت زندگی‌شان نیز می‌شود.

جدول ۱- ویژگی‌های مجتمع‌های مسکونی یاسمین و آسمان مراغه

عنوان	تعداد واحد	سطح اشغال	تراکم	مساحت	همجواریه‌ها	تصاویر
یاسمین	مجموعاً ۱۸ واحد در دو بلوک	۴۶ درصد در دو بلوک	۴۱۴ درصد در ۹ طبقه بالای همکف	مساحت کل طبقات ۱۴۴۰۵,۹۴ مساحت هر طبقه ۱۱۲۲,۸۰ متر مربع	از سمت شرقی با مجتمع مسکونی آسمان و از بقیه جهات با خیابان‌ها	
آسمان	مجموعاً ۸ واحد در دو بلوک	۴۸ درصد در دو بلوک	۵۷۶ درصد در ۱۲ طبقه بالای همکف	مساحت کل طبقات ۱۳۰۷۷,۹۰ مساحت هر طبقه ۱۰۰۰,۱۴ متر مربع	از سمت غربی با مجتمع مسکونی یاسمین و از بقیه جهات با خیابان‌ها	

مأخذ: نگارندگان

روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، تحلیلی و میدانی به شیوه آمیخته می‌باشد. جامعه آماری پژوهش کلیه ساکنان مجتمع‌های مسکونی آسمان و یاسمین شهرستان مراغه هستند. تعداد ۱۰۰ نفر بر اساس فرمول کوکران و با در نظر گرفتن میزان اطمینان ۹۵ درصد و خطای قابل قبول ۵ درصد به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند. لازم به ذکر است که نمونه‌گیری به روش تصادفی می‌باشد. پرسش‌نامه از ۵ مؤلفه و ۱۵ گویه برای سنجش مؤلفه‌های امنیت و از ۳ مؤلفه و ۱۳ گویه برای ارزیابی دل‌بستگی به مکان تشکیل شده است. برای تعیین روایی پرسش‌نامه از روش روایی صوری بهره گرفته شده است، به این صورت که پرسش‌نامه تهیه شده را اساتید دانشگاه و صاحب‌نظران این حوزه تأیید

کرده‌اند، برای سنجش پایایی پرسش‌نامه نیز روش ضریب آلفای کرونباخ به کار گرفته شده است و این میزان برابر با ۰,۸۶ می‌باشد که نشان‌دهنده پایایی خوب متغیرها است. داده‌های پرسش‌نامه با استفاده از نرم‌افزار آماری Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در بررسی وجود ارتباط معناداری میان مؤلفه‌های کالبدی امنیت و دلبستگی به مکان از آزمون‌های همبستگی پیرسون^۱، رگرسیون خطی^۲ و تی یک طرفه^۳ استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

متغیرهای جمعیت شناختی؛ نتایج به دست آمده از عوامل فردی داده‌های آماری نشان می‌دهد که از کل پاسخگویان ۴۰ درصد در گروه مرد و ۶۰ درصد در گروه زن مشارکت داشتند که از میان آن‌ها ۳۰ درصد مجرد و ۷۰ درصد متأهل می‌باشند. ۱۱ درصد در گروه سنی زیر ۲۰ سال، ۳۰ درصد در گروه سنی زیر ۳۰ سال، ۳۰ درصد در گروه سنی زیر ۴۰ سال، ۱۹ درصد در گروه سنی زیر ۵۰ سال و ۱۰ درصد در گروه سنی زیر ۶۰ سال می‌باشند. درباره فراوانی میزان تحصیلات شرکت کنندگان می‌توان گفت که، ۲۰ درصد در گروه زیردیپلم و دیپلم، ۳۰ درصد در گروه فوق دیپلم، ۳۲ درصد در گروه لیسانس، ۱۸ درصد در گروه فوق لیسانس و بالاتر قرار دارند.

سنجش میزان میانگین دلبستگی به مکان و امنیت با استفاده از آزمون تی یک طرفه

برای ارزیابی وضعیت دلبستگی به مکان که از چهار مؤلفه هویت مکان، دلبستگی عاطفی، پیوندهای اجتماعی و وابستگی به مکان تشکیل شده است از آزمون تی یک طرفه استفاده شده است. میزان آماره، درجه آزادی و سطح معناداری این شاخص به ترتیب برابر $(t=10,21)$ ، $(df=99)$ و $(sig=0)$ می‌باشد، بنابراین جواب‌های داده شده از سوی پاسخ‌دهندگان به دلبستگی به مکان نسبت به عدد ۳ معنی‌دار بوده و اختلاف آن‌ها قابل توجه است. با توجه به اینکه مقدار اختلاف میانگین ۰,۵۹۹ می‌باشد، میانگین جواب‌ها از حد متوسط بالاتر است و در نتیجه رضایت ساکنان از دلبستگی به مکان در وضعیت متوسط رو به بالا ارزیابی می‌شود.

برای ارزیابی وضعیت امنیت که از پنج مؤلفه نظارت، قلمروبندی، ناهنجاری اجتماعی، کیفیت محیط زندگی و مجاورت با کاربری‌ها تشکیل شده است از آزمون تی یک طرفه استفاده

¹ Pearson

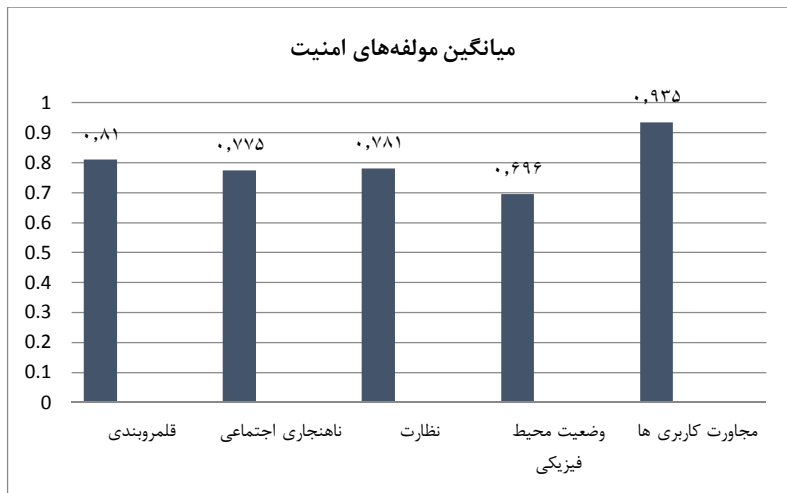
² Linear Regression

³ One-Way T-Test

شده است. میزان آماره، درجه آزادی و سطح معناداری این شاخص به ترتیب برابر $(t=14,35)$ ، $(df=99)$ و $(sig=0)$ است پس فرض صفر در سطح $0,05$ رد می‌شود. به عبارت دیگر تفاوت میانگین جواب‌ها با عدد ۳ معنی‌دار می‌باشد. در کل با توجه به اختلاف میانگین $0,673$ ، رضایت ساکنان از امنیت در وضعیت مطلوبی ارزیابی می‌شود.

سنجش میزان میانگین تأثیر مؤلفه‌های امنیت بر دل‌بستگی به مکان با استفاده از آزمون تی یک طرفه

با توجه به نتایج آزمون سطح معنی‌داری محاسبه شده برای هر یک از مؤلفه‌ها کمتر از $0,05$ می‌باشد، در نتیجه تأثیر مؤلفه‌های امنیت بر دل‌بستگی به مکان در میان ساکنان محله به‌طور معناداری قابل قبول می‌باشد. ترتیب میزان میانگین تأثیر مؤلفه‌های امنیت بر دل‌بستگی به مکان به صورت مقابل است: (مجاورت با کاربری‌ها < قلمروبندی < نظارت < ناهنجاری اجتماعی < کیفیت محیط زندگی).



نمودار ۱- میانگین مؤلفه‌های امنیت، مأخذ: نگارندگان

بررسی ضرایب همبستگی بین مؤلفه‌های امنیت و دل‌بستگی به مکان

نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین مؤلفه نظارت و دل‌بستگی به مکان با ضریب $0,548$ ، بین مؤلفه ناهنجاری اجتماعی و دل‌بستگی به مکان با ضریب $0,336$ ، بین مؤلفه قلمروبندی و دل‌بستگی به مکان با ضریب $0,563$ و بین مؤلفه کیفیت محیط زندگی و

دل‌بستگی به مکان با ضریب ۰,۲۱۶ همبستگی برقرار است ($\text{sig} < 0.05$). بیشترین ضریب مربوط به همبستگی قلمروبندی و دل‌بستگی به مکان و کمترین ضریب مربوط به همبستگی کیفیت محیط زندگی و دل‌بستگی به مکان است. همچنین نتایج جدول (۲) حاکی از آن است که، بین مؤلفه مجاورت کاربری با امکانات و دل‌بستگی به مکان همبستگی برقرار نیست ($\text{sig} > 0.05$). ترتیب همبستگی مؤلفه‌های امنیت و دل‌بستگی به مکان به صورت مقابل می‌باشد: (قلمروبندی < نظارت < ناهنجاری اجتماعی < کیفیت محیط زندگی).

جدول ۲- مقایسه ضرایب همبستگی و سطح معناداری متغیرها در آزمون پیرسون

سطح معنی‌داری sig	همبستگی پیرسون	تعداد پاسخگو	متغیرهای امنیت مؤثر در دل‌بستگی به مکان
۰,۰۰۰	۰,۵۴۸**	۱۰۰	نظارت
۰,۰۰۱	۰,۳۳۶**	۱۰۰	ناهنجاری اجتماعی
۰,۰۰۰	۰,۵۶۳**	۱۰۰	قلمرو بندی
۰,۰۳۲	۰,۳۱۶*	۱۰۰	کیفیت محیط زندگی
۰,۸۶۹	-۰,۰۱۷	۱۰۰	مجاورت کاربری با امکانات

مأخذ: نگارندگان

بررسی میزان اثرگذاری امنیت بر دل‌بستگی به مکان در مجتمع‌های مسکونی با استفاده از آزمون رگرسیون خطی

نتایج جدول رگرسیون نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های امنیت (به جز مؤلفه‌های کیفیت محیط زندگی و مجاورت با کاربری‌ها) و دل‌بستگی به مکان ارتباط خطی برقرار است. با توجه به اینکه رابطه معناداری بین دل‌بستگی به مکان و مؤلفه‌های کیفیت محیط زندگی و مجاورت با کاربری‌ها وجود ندارد ($\text{sig} > 0.05$)، لذا در رابطه خطی مؤلفه‌های مذکور حذف گردیدند. با توجه به ضرایب بتا بیشترین میزان تأثیرگذاری بر دل‌بستگی به مکان شامل مؤلفه قلمروبندی ۰,۴۷۱ و کمترین مربوط به مؤلفه ناهنجاری اجتماعی ۰,۲۱۳ می‌باشد. ترتیب اثرگذاری مؤلفه‌های امنیت بر دل‌بستگی به مکان به صورت مقابل است: (قلمروبندی < نظارت < ناهنجاری اجتماعی). رابطه خطی مقابل (دل‌بستگی به مکان = Y و مؤلفه‌های امنیت = X) برقرار است:

$$Y = 1,26 + 0,404X_1 + 0,213X_2 + 0,471X_3$$

جدول ۳- آزمون رگرسیون بین مؤلفه‌های امنیت

متغیرها	ضریب تأثیر غیر استاندارد (B)	ضریب تأثیر استاندارد (Beta)	مقدار t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۱,۲۶	-	۳,۹۲	۰,۰۰۰
نظارت	۰,۳۷۶	۰,۴۰۴	۴,۵۹	۰,۰۰۰
ناهنجاری اجتماعی	۰,۱۶۸	۰,۲۱۳	۲,۱۷	۰,۰۳۲
قلمرو بندی	۰,۳۵۷	۰,۴۱۷	۶,۴۹	۰,۰۰۰
کیفیت محیط زندگی	-۰,۰۲۶	-۰,۰۴۱	-۰,۵۲۶	۰,۶۰۰
مجاورت با کاربری‌ها	-۰,۱۹۳	-۰,۲۷۱	-۳,۱۵۳	۰,۰۸۲۰

مأخذ: نگارندگان

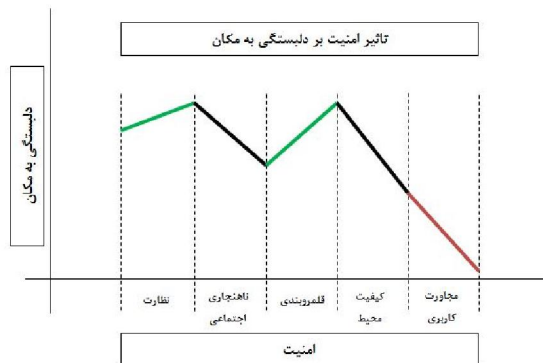
نتیجه‌گیری

دلبستگی به مکان یکی از عوامل بسیار مؤثر در بهزیستی و تداوم حضور انسان در مکان است، به عبارت ساده‌تر این حس سبب می‌شود که افراد خود را جزئی از مکان دانسته و نسبت بدان احساس مسئولیت داشته باشند، در این صورت مکان برای آن‌ها به لنگرگاهی روانی تبدیل شده و زمینه برای حضور، فعالیت و مشارکت افراد به خوبی فراهم می‌شود. لازم به ذکر است که عناصر مختلفی نظیر آسایش و راحتی، امنیت، ایمنی، هویت و... زمینه حضور افراد در محیط و در نتیجه شکل‌گیری دلبستگی به مکان را فراهم می‌کنند. در این بین یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین عناصری که دلبستگی به مکان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد امنیت است، به عبارت دیگر غالباً افراد نسبت به مکان‌های امن، احساس دلبستگی بیشتری دارند، زیرا افراد از مکان‌هایی که توأم با خطر مالی و جانی است دوری می‌جویند، در نتیجه در چنین شرایطی اقدام به ترک محل و یا کاهش حضور خود در محیط می‌نمایند، در این صورت آن‌ها قادر به برقراری پیوندهای عاطفی با مکان نخواهند بود، این امر سبب عدم بروز دلبستگی به مکان در افراد شده و رضایتمندی و کیفیت زندگی را به میزان چشمگیری کاهش می‌دهد. در همین راستا لزوم بررسی ارتباط میان مؤلفه‌های امنیت و دلبستگی به مکان بیش از پیش مهم جلوه می‌نماید.

پژوهش حاضر با هدف ارتقاء میزان دلبستگی به مکان در مجتمع‌های مسکونی از طریق مؤلفه‌های کالبدی امنیت با استفاده از روش تحلیلی و میدانی در دو مجتمع مسکونی یاسمین و آسمان شهرستان مراغه انجام شده است. برای سنجش میزان امنیت پنج مؤلفه نظارت، قلمرو بندی، مجاورت با کاربری‌ها، ناهنجاری اجتماعی و کیفیت محیط زندگی و برای بررسی میزان دلبستگی به مکان، چهار مؤلفه هویت مکان، دلبستگی عاطفی، پیوندهای اجتماعی و وابستگی به مکان از طریق پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته مورد آزمون قرار گرفتند.

نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که وضعیت مؤلفه‌های امنیت در مجتمع‌های مسکونی شهر مراغه از دیدگاه ساکنان مطلوب و در وضعیت متوسط رو به بالا و در زمینه دلبستگی به مکان نیز در حالت مطلوب و متوسط رو به بالا قرار دارند. نتایج حاصل از آزمون رگرسیون خطی نشان می‌دهد، مدل مورد استفاده ارتباط مناسبی با داده‌ها دارد. مؤلفه‌های امنیت (به جز مؤلفه‌های کیفیت محیط زندگی و مجاورت با کاربری‌ها) با دلبستگی به مکان ارتباط مستقیم و معناداری دارند، همچنین نتایج نشان داد که متغیر قلمروبندی و نظارت به ترتیب با ضرایب $0,471$ و $0,404$ بیشترین میزان تأثیرگذاری را در ارتقاء دلبستگی به مکان دارند.

نتایج حاصل از آزمون پیرسون نیز نشان داد که رابطه بین این دو متغیر به میزان $0,514$ و با اطمینان 99 درصد معنادار می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت که هرچه مؤلفه‌های امنیت در مجتمع‌های مسکونی شهرستان مراغه از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار باشند، دلبستگی به مکان نیز به میزان چشمگیری افزایش خواهد یافت. مقایسه ضرایب همبستگی پیرسون بین مؤلفه‌های امنیت و دلبستگی به مکان نیز نشان می‌دهد که مؤلفه‌های، قلمروبندی و نظارت به ترتیب با ضرایب $0,563$ و $0,548$ همبستگی بیشتری با دلبستگی به مکان دارند. همانطور که انتظار می‌رفت مؤلفه قلمروبندی به دلیل شخصی‌سازی فضا برای ساکنان و نیز کاهش میزان تردد افراد ناشناس و مؤلفه نظارت به دلیل افزایش آگاهی ساکنان نسبت به اعمال مشکوک مجرمان، فرصت‌های وقوع جرم را به میزان بسیار زیادی کاهش می‌دهند، در نتیجه زمینه حضور طولانی مدت، مسئولیت‌پذیری، همکاری و مشارکت ساکنان در محیط به خوبی فراهم می‌شود که این امر در نهایت منجر به افزایش میزان احساس دلبستگی به مکان می‌شود.



شکل ۲- مدل نهایی تأثیر مؤلفه‌های امنیت بر دلبستگی به مکان در مجتمع‌های مسکونی

مأخذ: نگارندگان

یافته‌های حاصل از این پژوهش در مواردی با بررسی‌های گذشته در مورد تأثیر امنیت بر دل‌بستگی به مکان سازگاری داشته و آن را تأیید می‌کند؛ برای مثال یاران وهادوی (۲۰۱۸) به این نتیجه رسیده‌اند که دو مؤلفه قابلیت دید و نظارت ساکنان، نقش بسیار مهمی در افزایش میزان امنیت مجتمع‌های مسکونی دارد. در پژوهشی دیگر لو و همکاران (۲۰۱۸) اثبات نموده‌اند که، میزان دل‌بستگی به مکان در محله‌های دروازه‌دار و قلمروبندی شده بیشتر از سایر محلات است.

بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش و تأثیرگذاری امنیت بر دل‌بستگی به مکان، پیشنهاد می‌شود که برای افزایش امنیت و در نتیجه دل‌بستگی به مکان در مجتمع‌های مسکونی، مؤلفه‌های امنیت به خصوص قلمروبندی و نظارت بیش از پیش مورد توجه معماران و طراحان قرار بگیرد. در همین راستا پیشنهاد می‌شود: ۱- تعریف لبه جهت متمایز نمودن فضای عمومی مجتمع‌های مسکونی از بافت شهری، ۲- افزایش میزان نظارت طبیعی و غیررسمی ساکنان از طریق تشویق به حضورپذیری بیشتر مردم در فضاهای عمومی، استفاده از دوربین‌های مداربسته در محوطه، استفاده از درب‌بازکن‌های تصویری، تأمین روشنایی کافی فضاهای داخلی و پیرامونی مجتمع‌های مسکونی و... ۳- شناسایی و ساماندهی فضاهای پرت و بلااستفاده مجتمع‌های مسکونی نظیر بدنه‌های دارای تورفتگی و بیرون‌آمدگی عمیق و کف با پستی و بلندی زیاد در فضاهای عمومی و نیمه عمومی مجتمع‌های مسکونی جهت کاهش فرصت‌های جرم و بزه و... ۴- تعبیه انواع موانع نمادین و واقعی جهت مشخص نمودن قلمروهای تحت مالکیت ساکنان. علاوه بر موارد مذکور، پیشنهاد می‌شود جهت تدقیق جزئیات این مؤلفه‌ها و تعیین میزان و نقش تأثیرگذاری هریک از آن‌ها، تحقیقات مبسوط‌تری در این راستا انجام شود، همچنین لازم است مجموعه استانداردهای به‌روز علمی نیز توسط ارگان‌ها و سازمان‌های مربوطه، به قوانین موجود افزوده شود.

منابع و مآخذ:

۱. احمدی‌پور، ز.، میرزایی‌تبار، م. ۱۳۹۰. نقش احساس مکانی در سازماندهی سیاسی فضا. آمایش محیط، ۱۲ (۴): ۴۷-۶۲.
۲. امیرکافی، م.، فتحی، ش. ۱۳۹۰. بررسی عوامل مؤثر بر دلبستگی به محله مسکونی نمونه مورد مطالعه: شهر کرمان. مطالعات اجتماعی ایران، ۵ (۱۳): ۱-۴۱.
۳. البرزی، ف.، ظریف پور لنگرودی، آ.، سهیلی، ج. ۱۳۹۹. تبیین نقش نماهای شهری در ایجاد دلبستگی به مکان در بین شهروندان نمونه موردی: نماهای مسکونی شهر تهران. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۴۰ (۱۱): ۲۱۷-۲۳۲.
۴. فتح بقالی، ع.، صنیعی‌پور، ح. ۱۳۹۵. تأثیر عناصر کالبد-فضایی (معماری) بر دلبستگی به مکان شهروندان در مجموعه بازار تبریز. آمایش محیط، ۴۳ (۱۱): ۹۷-۱۲۴.
۵. فکوهی، ن. ۱۳۹۰. همسازی و تعارض در هویت و قومیت. تهران، نشر گل آذین.
۶. کشاورزی، گ.، جلالیان، س. ۱۳۹۸. تبیین نقش عوامل مؤثر بر قلمرویابی در ایجاد حس تعلق به مکان در مجموعه‌های مسکونی مطالعه موردی: مجموعه مسکونی اعتمادیه همدان. مطالعات محیطی هفت حصار، ۲۷ (۷): ۹۱-۸۱.
۷. میرزاحسین، س.، احمدی، م.، ذاکر حقیقی، ک. ۱۳۹۹. بررسی چگونگی ساختار و عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری فضاهای شهری بر مبنای حس تعلق به مکان بین شهروندان تهرانی. آمایش محیط، ۵۶ (۱۵): ۲۷-۴۶.
8. Alimardani, M., Sharghi, A., Mahdneshtin, N. 2017. Investigating the Role of Security in the Vitality and Nightlife of Urban Public Spaces. Quarterly Journal of Applied Arts, 3 (8): 15-26.
9. Beery, T., Jeonsson, K. I. 2017. Outdoor recreation and place attachment: Exploring the potential of outdoor recreation within a UNESCO biosphere reserve. Journal of Outdoor Recreation and Tourism, 17(8): 54-63.
10. Comstock, N. L., Miriam, D., Marshall, J., Mah-J, S., Marks Michad, B., Jill, S. 2015. Neighborhood attachment and its correlates: Exploring neighborhood conditions. Collective efficacy and gardening. Journal of environmental psychology, 13(17):1-8
11. Devine-Wright, A., Price, C. 2015. Explaining "NIMBY" objections to a power line: The role of personal. place attachment and project-related factors. Journal of Environment and Behavior, 45(6): 761-781.

12. Di Masso, A., Williams, D. R., Raymond, C. M., Buchecker, M., Degenhardt, B., Devine- Wright, P., Stedman, R. 2019. Between fixities and flows: Navigating place attachments in an increasingly mobile world. *Journal of Environmental Psychology*, 32(61): 125–133.
13. Guardia, J., Pol, E. 2016. A critical study of theoretical models of sustainability through structural equation systems. *Journal of Environment and Behavior*, 34 (10): 137–149.
14. Izadifar, I., Yazdanfar, S.A., Hosseini, S.B., Norouzian Maleki, S. 2016. Relationship between Support of Social Activities and Fear of Crime in Iran Residential Complex. *Journal of Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 170(10):575 – 585
15. Karsono, B., Indira, S. S., Deni, C. 2016. The Significance of Uniqueness, Comfort, Security and Safety to Place Attachment. *Journal of Teknologi (Sciences & Engineering)*, 78(5): 179–183.
16. Lewicka, M. 2012. Place attachment: How far have we come in the last 40 years?. *Journal of Environmental Psychology*, 31(8): 207-230.
17. Lu, T., Zhang, F., Wu, F. 2018. Place attachment in gated neighbourhoods in China: Evidence from Wenzhou. *Journal of Geoforum*, 92(30):144–151.
18. Mazumdar, S., Mazumdar, S. 2014. Religion and place attachment: A study of sacred places. *Journal of Environmental Psychology*, 24(21): 385-397.
19. Moayedi, M., Ali Nejad, M., Navaei, H. 2013. Investigating the Role of Urban Landscape Components in Promoting the Level of Safety in Urban Public Spaces. *Journal of Social Security Studies*, 31(35): 159-191.
20. Pakzad, J. 2005. *Theoretical Basis and Urban Design Process*. Tehran, Shahidi.
21. Rahmania, M., Mahmoody Zarandib, M. 2015. Determine the Environmental Factors Influencing Increase Security in Residential Design. *Journal of Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 201(120): 234 – 242.
22. Ramkinssoon, H., Weiler, B., Smith, G. 2012. Place attachment and proenvironmental behavior in national parks: the development of a conceptual framework. *Journal of Sustainable Tourism*, 20(2): 257-276.

23. Raymond, C., Brown, G., Robinson, G. 2019. The influence of place attachment and moral and normative concerns on the conservation of native vegetation: a test of two behavioural models. *Journal of Environmental Psychology*, 31(5): 323-335.
24. Salamati Zare, A. 2014. Urban Design in Contrast to Creating a Sense of Security in the Individual. National Conference on Architecture, Urban Development and Sustainable Development with a Focus on Reading Iran-Islamic Identity.
25. Scannell, L., Gifford, R. 2010b. The relations between natural and civic place attachment and pro-environmental behavior. *Journal of Environmental Psychology*, 30(3): 289-297.
26. Scannell, L., Gifford, R. 2017. Place attachment enhances psychological need satisfaction. *Journal of Environment and Behavior*, 18(49): 359–389.
27. Shamsuddin, S., Zaini, K., Bashri, A. 2014. Effectiveness of Gated Communities in Providing Safe Environments for Children's Outdoor Use. *Journal of Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 42(140): 77 – 85.
28. Shaykh-Baygloo, R. 2020. A multifaceted study of place attachment and its influences on civic involvement and place loyalty in Baharestan new town. Iran, Tehran.
29. Siti Rasidah, M. S., Johari, N., Mohd Sallah, M. N. 2013. Perception of safety in gated and non-gated neighborhoods. *Journal of Procedia – Social and Behavioral Sciences*, 11(85): 383-391.
30. Stedman. 2017. Sense of Place and Place- Based Introductory.
31. Toruńczyk-Ruiz, S., Martinović, B. 2020. The bright and dark sides of length of residence in the neighbourhood: Consequences for local participation and openness to newcomers. *Journal of Environmental Psychology*, 67(30): 101-383.
32. Vasile, C., Margaritoiu, A., Eftimie, S. 2018. Security needs among teachers. *Journal of Procedia – Social and Behavioral Sciences*, 29(11): 1251-1256.
33. Yaran, A., Hadavi, P. 2018. Investigating the Design Indicators for Increasing the Security of Inhabitants in High-rise Residential Complexes in Tehran. *Journal of Armanshahr Architecture & Urban Development*, 11(24): 53-67.

-
34. Zen, I., Ali Mohamad, N. A. 2014. Adaptation of defensible space theory for the enhancement of kindergarten landscape. Journal of Procedia – Social and Behavioral Sciences, 153(80): 23-35.